

بسم الله الرحمن الرحيم

انقلاب اسلامی و مسائل پیرامون

مصاحبه کیهان فرهنگی با دکتر سیدحسین شرف الدین، عضو هیات علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، قم، ۱۴۰۱/۱۱/۳۰. این مصاحبه با اندکی تغییر در شماره ۴۳۲-۴۳۳ این ماهنامه، در بهمن و اسفند ۱۴۰۱ (صفحات ۲۶-۳۳) با عنوان «تدبیر سازوکارها و بسیج ظرفیت ها» به چاپ رسیده است.

۱- با توجه به گذشت ۴۴ سال از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان بزرگترین رخداد قرن بیستم قرار داشتن در یک پیچ تاریخی قرن بیستم، جناب عالی ابعاد این رخداد بزرگ قرن را چگونه تحلیل و تبیین می کنید؟

تردیدی نیست که انقلاب اسلامی به عنوان یک رخداد شگرف و غیر منتظره در جهان کنونی، ابعاد، لایه ها و سویه ها و ساحت های مختلفی داشته و دارد. این ابعاد، را می توان از تحلیل مبانی اندیشه ای و اعتقادی، شعارها و مطالبات، اهداف و آرمانها، مواضع رسمی رهبران و ایدئولوگ ها و بالاتر از آن، از واکاوی آثار و پیامدهای برجسته انقلاب که در سالهای پس از پیروزی در مقیاس ملی، منطقه ای و جهانی به ظهور رسیده، دریافت.

برجسته ترین بعد انقلاب اسلامی حسب ماهیت و دواعی بنیادین آن، بعد فرهنگی - مذهبی است. مراد از فرهنگ، جهان معنایی پرگستره و کثیرالمولفه ای است که به مثابه نرم افزاری غنی، سیستم عامل جامعه را در عرصه های مختلف حیات فردی و جمعی و جهان انفسی و آفاقی، راهبری و هدایت می کند. مذهب نیز در گفتمان انقلاب بیشتر وجه فرهنگی و ایدئولوژیک دارد. البته انقلاب در راستای عینیت بخشی به این آرمان بنیادین و بسترسازی جهت تحقق تدریجی آن و بهره گیری از این خط راهنما در هدایت گام های بعدی، ابعاد دیگری را نیز الزاما و به اقتضای رسالت جامعه سازی و تمدن آفرینی خود پذیرا شد. اصلی ترین این ابعاد، بعد سیاسی (= تشکیل حکومت دینی با همه ارکان و اضلاع آن) و بعد اجتماعی (به معنای عام آن یعنی تاسیس و بازسازی نهادها، ساختارها، مناسبات، رویه ها، فرایندها، سازمانها و نمادهای مختلف) است. همانگونه که در قبل اشاره شد، آثار و پیامدهای متنوعی که به صورت مستقیم و غیر مستقیم

تحت تاثیر انقلاب اسلامی در عرصه های مختلف بوقوع پیوسته و همچنان در حال وقوع است، مستند گویایی برای کشف ابعاد مختلف این رخداد است.

برخی از پیامدهای به ظهور رسیده از این قرارند: به چالش کشاندن تمام عیار سلطه فرهنگی و هیمنه ایدئولوژیک غرب محور(سکولاریسم، اومانیسم، لیبرالیسم و...)، تضعیف اقتدار سیاسی و نفوذ عمیق استکبار جهانی بویژه در منطقه، ناهمسویی با نظم نوین جهانی و روندها و اقتضائات قهری آن، اثبات تهی بودن برخی شعارها، دواعی و هیاهوهای تبلیغاتی غرب، آگاهی بخشی و انگیزه زایی برای رهایی کشورها و ملت های ضعیف و ستمدیده از سلطه غرب، حمایت معنوی از خیزش ها و جنبش های رهایی بخش، احیای دین و معنویت اصیل در جهان مادی، احیاء، بازخوانی و ترویج برخی ارزش ها و آرمانهای انسانی، پایان دادن به سلطه اسارت بار بیگانگان در کشور، تشکیل حکومت دینی و ولایی، تلاش در جهت اصلاح تدریجی ساختارها براساس احکام اجتماعی و حکومتی اسلام، تلاش در جهت شکوفاسازی ظرفیت ها و سرمایه های مادی و غیرمادی جامعه، تلاش در جهت اجرای عدالت توزیعی و کاهش فاصله ها، تقویت اعتماد به نفس ملی و فرهنگ خودباوری، مجاهدت، ایثار، تعالی جویی و کمال خواهی، تقویت زمینه های همبستگی اجتماعی و اتحاد ملی با محوریت اسلام و تضعیف گرایش های قومیت گرایانه و ناسیونالیستی، ایجاد زمینه برای توسعه علم و فناوری در بخش های مختلف، تمهید زیرساخت های لازم برای رشد رسانه های جمعی و اجتماعی و صدها دستاورد ریز و درشت دیگری که ضرورتی به ذکر آنها نیست. از این رو، انقلاب اسلامی نه یک انقلاب صرفا فرهنگی یا سیاسی، که انقلابی با ابعاد، اهداف و آثار جامع و چندگانه شناخته می شود و هدف غایی آن طبق فرمایشات رهبران، ایجاد زمینه برای نیل عموم به سعادت و بهروزی متناسب با جهان بینی و نظام ارزشی اسلام است. اینکه انقلاب اسلامی تا این جا و اکنون به چه میزان در دستیابی به این هدف والا موفق بوده، اختلاف نظرهایی وجود دارد که در جای خود باید بدان پرداخته شود. برخی نیز براین باورند که انقلاب اسلامی تحت تاثیر برخی مشکلات داخلی غیر قابل پیش بینی، از تب و تاب اولیه فرو افتاده و درگیر نوعی روزمرگی شده است و اینک آرمانهای فرهنگی خود را حتی در داخل نیز به تعویق انداخته است.

۲- برای جلوگیری از آسیب ها و آفت های ناشی از نفوذ اندیشه های بیگانه به ویژه غربی در نظام اسلامی چه باید کرد؟

فکر می کنم انجام اقداماتی از این دست می تواند تا حدی این نفوذ را محدود کرده یا دست کم هوشیاری و حساسیت آحاد جامعه را در این خصوص بالا ببرد. البته نیازی به ذکر نیست که در جهان کنونی به دلیل

گسترش و تنوع روزافزون ارتباطات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی، علمی، ورزشی، تفریحی و... میان جوامع مختلف و بویژه ارتباطات انسانی با میانجی رسانه های جهانگستر، امکان انسداد کامل باب نفوذ برای هیچ کشوری وجود ندارد. موضوع جهانی شدن و پیوند خوردن سرنوشت جوامع به یکدیگر، همچنین موضوع تهاجم فرهنگی گسترده غرب به عنوان تنها مسیر جهت حفظ و تقویت امپریالیسم فرهنگی، نقش تمهیدی سلطه فرهنگی برای سایر گونه های سلطه، افزایش دواعی برای اطلاع یابی از اوضاع داخلی کشورها بویژه برای اغراض سیاسی، مجهز بودن جوامع مدرن به انواع امکانات و تجهیزات پیشرفته جهت رصد، نفوذ و جاسوسی و نیز برخورداری آنها از مهارت ها و تکنیک های پیچیده و روزآمد در این خصوص و... این نفوذ و تاثیر را به غایت تسهیل کرده است. اما اقداماتی که در این خصوص بایسته به نظر می رسد:

روشنگری دائم و ایجاد حساسیت در خصوص توطئه های رنگارنگ دشمنان، افزایش ضریب هوشمندی نهادها و سازمانهای علمی، پژوهشی و فرهنگی، افزایش ضریب دقت در گزینش افراد بویژه برای احراز مشاغل کلیدی، ایجاد حساسیت لازم در دانشجویان، اساتید، دیپلمات ها، تجار، مشاوران و مبلغان دینی، عازم به فعالیت در خارج از کشور، نظارت و کنترل بر چرخه ورود اقلام فرهنگی و رسانه ای از خارج، اعمال ممیزی ضابطه مند در خصوص آثار علمی و فرهنگی، تولید و عرضه محصولات فرهنگی با کیفیت متناسب با نیاز اقشار مختلف، سرمایه گذاری جدی در جهت رشد کمی و کیفی رسانه ها بویژه رسانه ملی، سامان دهی به وضعیت فضای مجازی و تسریع در فعال سازی شبکه ملی اطلاعات، رصد دائم کانونهای متولی جریان آزاد اطلاعات در پهنه فضای سایبر، تقویت سیستم های پدافندی و قرارگاههای سایبری، مقابله به مثل (با دولت هایی که بویژه از طریق عملیات هک، به حریم حاکمیت کشور تعرض می کنند)، تقویت اعتماد عمومی، تقویت جبهه نخبگانی کشور و... البته منظور من به هیچ وجه بستن فضا، تشدید بی اعتمادی، امنیتی کردن فضا، ایجاد حساسیت های مرضی، مانع شدن از جریان آزاد اطلاعات، محدود سازی ارتباطات و تعاملات گسترده علمی و فرهنگی با جهان، اعمال فیلترینگ نابجا و غیرقابل توجیه بر برخی درگاههای اطلاعاتی، ایجاد مانع در مسیر ارسال و جذب توریست و سایر اقدامات ناسنجیده و حساسیت برانگیز نیست.

۳- پیشنهاد جناب عالی برای مانایی و پایداری گفتمان امامین انقلاب اسلامی در سطح کشور و نیز تداوم بخشیدن بر ارزشها و آرمانهای جمهوری اسلامی با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب چیست؟

بزعم من التفات به اقداماتی از این دست در شرایط کنونی کشور می تواند مفید باشد: اطلاع رسانی درست و منصفانه از قوت ها و ضعف ها و پیشرفت ها و ناکامی های نظام، اولویت بندی مسائل، اتخاذ سیاست های واقع بینانه و گام به گام برای رفع تدریجی مشکلات، ترمیم نظام مدیریتی کشور و تلاش در جهت رفع حداکثری سوء مدیریت ها و ندانم کاریها، اصلاح و ترمیم نهادها و ساختارهای ناهمسو با شرایط و اقتضائات کنونی کشور، اعتراف و اذعان به قصورها و تقصیرها به جای فرافکنی و استناد همه مشکلات و مصائب به بازیگران خارجی، تقویت فرهنگ تخصص گرایی و شایسته سالاری (در کنار تعهد گرایی) در همه بخش ها، پایان دادن به سلیقه ورزیهای جناحی در اداره کشور، ترمیم شکاف های درون حاکمیتی و پاسکاری های گیج کننده، اجرایی کردن الگوی اقتصاد مقاومتی و تقویت اقتصاد کشور در مقابل شوک های پیاپی، برخورد قاطع با جریانات مافیایی در عرصه های مختلف، رسیدگی صریح و بی مسامحه به پرونده های فساد مالی و ترمیم نشتی های ساختاری که زمینه این نوع فسادها را برای فرصت طلبان فراهم ساخته، برخورد مسئولانه با خوی و مرام اشرافی گری فزاینده در میان برخی کارگزاران، عدم اصرار بر اجرای سیاست های عقیم و کم بازده، تغییر نوع نگاه به مسائل خرد و کلان حل نشده، تخصیص کمک های ویژه و حمایت های خاص از اقشار آسیب پذیر، توجه ویژه به نیازها و مطالبات برخی اقشار همچون جوانان و نوجوانان، زنان، اقلیت ها، حاشیه نشین ها، کارتون خوابها؛ تقویت انگیزهای افراد جهت مشارکت فعال در چرخه توسعه و سازندگی کشور، ایجاد اشتغال و تقویت فرهنگ احترام به کار و تلاش خستگی ناپذیر، تقویت روح جمع گرایی و ترجیح مصالح جمعی بر منافع فردی، پرهیز اکید از فرصت سازی برای سوء استفاده دشمن و...

همانگونه که در قبل اشاره شد، موفقیت انقلاب در پیشبرد اهداف فرهنگی به عنوان رسالت کانونی خود، مستلزم فائق آمدن بر برخی از مشکلات توانفرسای موجود و فراغت خاطر مردم از دغدغه های روزمره و دل مشغولیهای فرساینده است.

۴- نفوذ مقوله‌ای است که طی ۴ دهه انقلاب اسلامی با آن مواجه بوده است. از جمله حوادثی همچون فتنه ۷۸-۸۸-۹۸-۱۴۰۱ رقم خورده است از منظر جناب عالی برای مصونیت بخشی به انقلاب اسلامی در قبال این آسیب خطرناک چه باید کرد؟

فکر می کنم این سوال با سوال دوم شما قدری همپوشانی دارد. به زعم من، هر اقدامی که بتواند مشکلات موجود و ملموسی را که عموم مردم با آن دست به گریبانند، رفع و رجوع کند مستقیم و غیر مستقیم می تواند در مصونیت بخشی به انقلاب، تقویت روحیه حامیان و هواداران آن و مایوس ساختن دشمنان قویا

موثر باشد و امکان بروز این سنخ حوادث را در آینده تقلیل دهد. تجربه چند ساله نشان می دهد که وجود برخی نارضایتی ها، سرخوردگی ها و عدم امید به رفع عاجل موانع، همواره بهانه برای موج سواری دشمن، تهییج احساسات عموم و به صحنه کشاندن عده ای فراهم ساخته است. از این رو، هرگونه تلاش و مجاهدت مسئولان برای رفع یا کاهش مشکلاتی از این دست، می تواند ضریب استحکام انقلاب و کشور در مقابل شیخونها و ضربات دشمن را افزایش دهد:

تنگناهای معیشتی، تورم لجام گسیخته و فزاینده، سقوط آزاد ارزش پول ملی، بیکاری آشکار و پنهان، بالا رفتن سن ازدواج، ضعف توجه نهادها و ساختارهای حاکمیتی به موضوع عدالت اجتماعی، وجود برخی تبعیض های ناروا و غیر موجه در توزیع امکانات و امتیازات، فاصله های طبقاتی تشدید شونده، وجود برخی اختلال ها که زمینه فرصت طلبی و فساد مالی را برای برخی فراهم ساخته، فشارهای متراکم و فزاینده زندگی شهری (با ویژگی هایی همچون تراکم بالای جمعیت، آلودگی های زیست محیطی و صوتی، گرہ های ترافیکی، بالا بودن هزینه های معمول زندگی، درگیر بودن در تلاش و تکاپوی بی وقفه، سیالیت و تغییر پذیری مستمر اوضاع، شبکه ای شدن ارتباطات، گمنامی و تضعیف تشخص ها، ظهور تمناهای فزاینده و مهار ناپذیر، مادی گرایی (التفات زیاد به ارزش ها و اقلام مادی)، مصرف گرایی بی رویه، فردگرایی (اصالت دادن به خواسته ها و منافع فردی)، تکثرگرایی و تنوع خواهی، تحمل قهری خشونت های سخت و نرم و...)، محوریت و مرجعیت نسل قدیم در اداره برخی امور، ضعف در گزینش مناسب افراد برای احراز موقعیت های سیاسی و اداری، مهاجرت بی رویه برخی نیروهای متخصص و کارآمد به خارج، فرار سرمایه های مادی جهت سرمایه گذاری در کشورهای همسایه، عدم رونق چرخه تولید تحت تاثیر واردات بی رویه، قاچاق کالا، ضعف مشارکت بخش خصوصی در سرمایه گذاری، رونق فعالیت های واسطه ای و دلالی، تعطیلی بخشی از صنایع، ضعف جدی برخی صنایع جهت تولید و ارائه کالاهای باکیفیت؛ حاشیه نشینی گسترده و روزافزون، رشد بی رویه انواع آسیبها و انحرافات اجتماعی، عدم تحقق برخی وعده های مسئولان، از مدار خارج شدن اقتصاد کشور و کنترل ناپذیری بازار، ضعف رسانه ملی در اقناع و راهبری افکار عمومی همسو با تحولات جامعه و شرایط عصری، ضعف تعامل پویای نهادهای اجتماعی با یکدیگر، ناهماهنگی بخش های تصمیم ساز نظام در اتخاذ برخی سیاست های راهبردی (مثل نحوه تعامل با فضای سایبر، سلبریت ها، دگراندیشان، اقلیت های مذهبی، ممیزی آثار هنری و محصولات فرهنگی، ورود زنان به برخی عرصه ها، و...)، ناتوانی ظاهری در حل برخی بحرانها (به ویژه به دلیل مدیران ناکارآمد و قوانین و ساختارهای عقب مانده)، بالا رفتن سرسام آور هزینه های اداره کشور، عدم وصول

درست مالیات های مورد انتظار، وجود موانع در مسیر فروش نفت و وصول مابه ازای آن به صورت نقدی، خام فروشی، فشارهای ظالمانه استکبار جهانی بویژه از مجرای تحریم و...

همچنین اقداماتی از نوع تقویت زمینه های گفت و گو در رسانه ملی و محیط های علمی (مثل کرسی های آزاد اندیشی)، حضور مسئولان در میان مردم و تشریح دستاوردها و مشکلات، تقویت امید به آینده با تشریح سیاست های جاری و برنامه های آتی، به رسمیت شناختن برخی تفاوت ها و تنوعات (تا آنجا که ارزش ها و هنجارهای اسلام و انقلاب، مجاز می شمرد)، اعتنا به شنیدن صداهای مخالف، اعطای مجوز برای ابراز نظرات و طرح اعتراضات در قالب تجمعات رسمی، ارتباط با قشر خاکستری در داخل و خارج، پرهیز از توسل به خشونت در برخورد با منتقدان (کسانی که قواعد بازی را در مقام نقد رعایت می کنند)، پرهیز از سیاسی کردن مطالبات اجتماعی، پرهیز از امنیتی کردن فضای فرهنگی اجتماعی، عدم توسل به پاسخ های پیشین و تاریخ مصرف گذشته برای پرسش های جدید، تقویت ظرفیت های رسانه ای و سایبری برای مقابله با هجمه های پیچیده و رنگارنگ رسانه ای دشمن (مثل جنگ شناختی، عملیات روانی، انگاره سازی، داستان پردازی، روایت سازی، دست کاری افکار عمومی)، آموزش دفاعی به مردم برای مقابله با هجمه های رسانه ای دشمن، بهره گیری حداکثری از ظرفیت نخبه گان فرهنگی در عرصه فرهنگ سازی و اصلاحات فرهنگی، ایجاد زمینه برای درک و دریافت بین الذهانی مسائل کشور، تقویت نگاه شبکه وار به مسائل اجتماعی، ایجاد و تقویت ارتباطات ارگانیک میان سازمانهای مختلف متولی امور معین (مثل فرهنگ، اقتصاد، خانواده، فضای مجازی) و...

۵- «نظریه مقاومت» از جمله الزامات انقلاب اسلامی و نظام انقلابی است. به نظر شما برای تبیین و انتقال آن به نسل حاضر و آینده چه باید کرد؟

نیازی به ذکر نیست که وقوع انقلاب اسلامی با طرح گفتمانی بسیار متفاوت از گفتمان حاکم بر جامعه جهانی، پایان دادن به سلطه طولانی مدت و بهره کشی های ظالمانه امریکا در کشور، ایجاد زمینه برای بیداری و خیزش ملت های تحت ستم، برهم زدن برخی روابط و مناسبات نهادینه در نظم نوین جهانی، ایجاد محدودیت برای حضور منطقه ای امریکا، و... استکبار جهانی را در یک موضع تقابلی کاملاً خصمانه و یک رویارویی تمام عیار و فرساینده با انقلاب اسلامی و بالطبع کشور قرار داد. از جمله جلوه های این رویارویی، می توان به ایجاد حساسیت در کشور های منطقه و تحریک آنها به تقابل با انقلاب اسلامی، تحمیل جنگ هشت ساله، طراحی کودتا، تقویت همه جانبه ضد انقلاب داخلی و خارجی، تحریک برخی

اقوام به استقلال طلبی، ترور شخصیت های سیاسی، علمی و فنی، ایجاد مانع در مسیر ارتباطات بین المللی کشور، تهاجم فرهنگی گسترده، تحریم های اقتصادی فلج کننده، بهانه تراشی های بی وقفه، درگیر ساختن اذهان مسئولین، و به طور کلی، مانع تراشی های رنگارنگ و تو در تو در مسیر پیشرفت کشور و انقلاب اشاره نمود. این تقابل، بویژه از دید کسانی که آن را در چارچوب تقابل حق و باطل صورت بندی می کنند، تقابلی پایان ناپذیر خواهد بود. تردیدی نیست که این تقابل و مقاومت در مسیر سیلاب های بنیان کن آن، برغم نتایج و آثار مثبت مادی و معنوی، فشارها و هزینه هایی را نیز بر کشور تحمیل کرده و می کند. برخی منتقدان شاخ به شاخ شدن انقلاب و نظام اسلامی با استکبار جهانی، صهیونیسم بین الملل، ایادی منطقه ای آنها، غول های رسانه ای وابسته، حمایت آشکار از برخی جنبش های مبارز با دولت اسرائیل و درگیر شدن در اقداماتی از این دست، را اشتباه راهبردی نظام نوپای اسلامی می دانند. قضاوت در این خصوص، جای بحث و گفت و گو دارد. در عین حال، انکار نمی توان کرد که اتخاذ این مواضع، نه از روی خودبزرگ بینی و توهم قدرت که مقتضای ذات انقلاب اسلامی، اهداف و آرمان های فرهنگی و رسالت های دینی و اسلامی آن بود و البته خصومت ورزی شدید و اعمال فشارهای سهمگین از سوی دشمن در طول این سالها، کم و کیف این تقابل را عمیقا متاثر ساخت و آن را از مدار اعتدال خارج و به یک رویارویی تمام عیار تبدیل کرد. در هر حال، این وضعیتی است که کشور در آن گرفتار آمده، و چانه زنی بر سر تعیین مقصر، مشکلی را از ما حل نمی کند.

مقتضای طبیعی این رویارویی، تلاش در جهت افزایش آمادگی های نرم افزاری و سخت افزاری برای تحمل، خنثی سازی این تهاجمات و در صورت امکان مقابله به مثل است. اتخاذ سیاست های راهبردی و برنامه ریزی های هدفمند جهت تقویت باورها، انگیزه ها و روحیات، افق گشایی و امید بخشی، توجه به داشته ها و توانمندیها، فعلیت بخشی به امکانات و سرمایه ها، بسط ارتباطات منطقه ای و جهانی، شرکت در اتحادیه های منطقه ای و قاره ای، دور زدن حداکثری تحریم ها، تدبیر راه های مناسب برای تامین اقلام مورد نیاز و بالاتر از همه توسل به قوای غیبی و اعتصام به خداوند گزینه های است که می تواند کشور را در این مصاف سخت به سلامت عبور دهد.

مقام معظم رهبری، در خصوص خنثی سازی یا کاهش ضربات دشمن در حوزه اقتصاد که آشکار ترین میدان این تقابل است، اقتصاد مقاومتی را مطرح کردند یا در رویارویی با تهاجم فرهنگی دشمن به ضرورت هوشمندی و تقویت قرارگاههای فرهنگی توجه دادند، که متاسفانه در هیچیک از این بخش ها، آنگونه که بایسته بود و انتظار می رفت، عمل نشد.

۶- ضمن تبیین «نظریه نظام انقلابی» راهکارهای تحقق و تداوم آن را چه می‌دانید؟

ترکیب نظام انقلابی، ترکیب غریبی است، چون اقتضای «نظام» ایستایی و عمل در چارچوب شبکه ای از نهادها و ساختارهای مستقر و بهم وابسته است و «انقلابی بودن» مستلزم تحرک، پویایی، محدود نشدن در چارچوب ساختارها و اقتضائات ساختاری و عندالزوم ساختار شکنی برای برون رفت از وضعیت های خاص است. نظام جمهوری اسلامی، چون برآمده از انقلاب و در راستای تحقق اهداف و آرمانهای انقلاب شکل گرفته قاعدتا داشتن روح و منش انقلابی خصیصه ذاتی آن است. محدود شدن در چارچوب روابط و مناسبات بروکراتیک، تن دادن به رویه ها و عادت واره های معمول، معمولا با روح این سنخ نظام ها ناسازگار است. از طرفی، به موازات فاصله گرفتن از زمان وقوع انقلاب و مفارقت نسبی از درگیر بودن در صحنه هایی که به طور قهری روح انقلابی را همچنان در کالبد همراهان انقلاب تزریق می کند؛ به طور طبیعی، نظام و مردم نیز به ورطه عادت واره های معمول و زندگی در چارچوب الگوها و کلان الگوهای تثبیت شده سوق می یابد. این وضعیت کاملا قابل پیش بینی و بلکه تجربه شده و استقرار یافته است. از دید رهبری، چنین وضعیتی مانع استمرار حرکت پویای انقلاب در راستای تحقق تدریجی آرمانهای آن است. انجام برخی اقدامات اجمالا می تواند چنین تقاضایی را در وضعیت موجود بهبود بخشد: بازخوانی شعارها و آرمانهای انقلاب در فضایی کاملا معقول و بدور از احساسات و هیجانات، سیاست گذاری و برنامه ریزی هدفمند و چند مرحله ای برای تحقق این اهداف، آموزش و تربیت بهینه نسل جوان همسو با آرمانهای انقلاب، جلب اعتماد عمومی به عنوان برجسته ترین شاخص سرمایه اجتماعی، عطف توجه جدی به اقتضائات حرکت انقلابی در هر دوره متناسب با اقتضائات زمان، شناخت دقیق موانع و راههای مواجهه با آن، بازسازی و اصلاح بدنه مدیریتی کشور و چابک سازی آن، ایجاد زمینه برای چرخش به هنگام نخبه گان در ساختار حاکمیت با محوریت شایسته سالاری، اصلاح قوانین و ساختارهای ناکارآمد، بهره گیری حداکثری از ظرفیت های نخبگانی، ایجاد زمینه برای جذب سرمایه های انسانی و مادی ایرانیان خارج نشین، اقناع و کاهش انگیزه نخبه گانی که به هر دلیل مایل به ماندن در کشور نیستند، تلاش جدی در حل یا کاهش مشکلات موجود کشور، اصلاح قانون انتخابات، مواجهه معقول با تقاضاها و تمنیات اقشار مختلف، بسط ارتباطات با کشورهای منطقه و جامعه جهانی، تلاش در جهت شکستن تحریم ها و بهبود تعاملات تجاری با جهان، تقویت نرم افزاری و سخت افزاری رسانه های داخلی و برون مرزی، اصلاح و تقویت نهادهای علمی و فرهنگی، تقویت علوم اجتماعی بومی متناسب با نیازهای اجتماعی، تقویت ارتباطات درونی میان مراکز علمی بویژه حوزه ها و دانشگاهها، سوق دهی نهادها و سازمانهای اجرایی در جهت بهره گیری از پژوهش های انجام شده و تمهید سازوکارها برای انجام تحقیقات کاربردی متناسب با نیازها و....

۷- «نظام انقلابی» برای تعقیب و تحقق اهداف خود نیازمند حفظ و تقویت نقش مردم در جمهوریت و اسلامیت نظام است چگونه می‌توان این امر را محقق کرد؟

جمهوریت و اسلامیت نظام مرهون مشارکت جمعی توده های مومن و بلکه عموم ایرانیان وفادار به آرمانهای انقلاب و نظام اسلامی است. احساس برخی این است که این دو ویژگی به هم پیوسته نیز در شرایط کنونی، مستمرا در حال فرسایش اند. ایجاد انواع انشعابات و گروه بندیها به بهانه های مختلف و در نتیجه چند پاره کردن جامعه، به عنصر «جمهوریت» و ظهور انواع دینداری ها و فرقه گرایها(که مطالعات جامعه شناسی دین، تحقق آن را کاملا تایید می کند)، عنصر «اسلامیت» را عمیقا قرائت پذیر و متکثر ساخته است و این موضوع در درازمدت می تواند به وحدت کلمه و یکپارچگی جامعه انقلابی ضربه بزند.

احتمالا برخی اقدامات می تواند در این خصوص موثر باشد: اصرار بر اجرایی کردن حداکثری قانون اساسی، جلب اعتماد عمومی، مهار تکثرگرایی بویژه در بخش های استراتژیک، تقویت شعار ایران برای همه ایرانیان، اجتناب از تقابل افکنی میان سنت ها و رسوم ملی با سنت ها و رسوم اسلامی، ترمیم فاصله های طبقاتی، حمایت از اقشار ضعیف و آسیب پذیر، حمایت از اقلیت های قومی و مذهبی، تاکید هوشمندانه بر عنصر اسلامیت و ایرانیت به جای قومیت، هدایت رسانه های جمعی و اجتماعی و نهادهای آموزشی و پرورشی در تامین این هدف، ترویج هنر و ادبیات حامی این استراتژی(مثل نمادهایی که به ایرانیت و اسلامیت توأمان توجه می دهند)، رعایت عدالت اجتماعی در توزیع امکانات، پایان دادن به تبعیض ها و ویژه خواری ها، برخورد قاطع با عوامل فرصت طلب و تفرقه افکن، نظارت بر عملکرد مسئولان در مناطق مختلف کشور از جمله روحانیون و ائمه جمعه و جماعات، نظارت بر عملکرد هیئات مذهبی و جماعت مداحان، ارتباط مستقیم مسئولان با مردم و گفت و گوی مستمر با آنها، بهره گیری متناسب از همه ظرفیت های انسانی فارغ از تعلقات ایدئولوژیک آنها، ترجیح نیروهای محلی برای احراز پست های دولتی در مناطق خود، تقویت آزادیهای مدنی، ایجاد زمینه برای طرح مطالبات عمومی به صورت مسالمت آمیز(مثل تریبونهای آزاد در اماکن خاص)، اهتمام به شنیدن دیدگاههای انتقادی کارشناسان و صاحب نظران، الزام مسئولان به پاسخ گویی درخصوص عملکرد خود و پذیرش تبعات برخی تصمیم ها، تقویت زمینه های همبستگی اجتماعی و کنترل شکاف های قومی، تلاش فرهنگی و تقنینی در جهت رفع برخی تبعیض های موجود علیه زنان و ...

۸ نبود روحیه انقلابی از عوامل آسیب‌رسان به انقلاب و نظام اسلامی است برای ایجاد تقویت این روحیه در میان مردم و مسئولان چه باید کرد؟

روحیه انقلابی، متأسفانه تعریف عملیاتی مشخصی ندارد و شاید به اقتضای تغییر زمان، جلوه‌هایی متفاوتی هم داشته باشد. تضعیف این روحیه در سالهای اخیر، تا حدی طبیعی و محصول درگیر شدن عموم در روندهای عادی زندگی و زیستن بر مدار روزمرگی‌ها و عادت‌واره‌های حیات جمعی است. شواهد عینی و دریافت‌های شهودی نشانگر آن است که جامعه انقلابی به موازات فاصله‌گیری از سالهای پرشور اوایل انقلاب و دوران دفاع مقدس و شاید تا اواسط دهه هفتاد که کم و بیش سوژه و بهانه برای آفرینش شور و احساس و زمینه برای خلق حماسه در کشور وجود داشت، این روحیه نیز بویژه در میان قشر جوان بسیجی غلیان و فوران محسوس داشت. اما از این دوره به بعد رفته رفته این روحیه حتی در میان حماسه‌سازان آن دوران نیز به رو به افول نهاد. حماسه دفاع از حرم و جنگ با داعش نیز نتوانست این روحیه را در سطح گسترده شکوفا سازد، اگرچه نوستالوژی قابل توجهی در میان جهادگران برانگیخت و نگرش مثبتی نیز به جنگ و جهاد در میان برخی از جوانان ایجاد کرد.

از این رو، شاید انجام برخی اقدامات فرهنگی اجتماعی بتواند درجاتی از این روحیه را متناسب با اقتضانات این دوران بویژه در میان قشر جوان و نوجوان که آمادگی و استعداد بیشتری برای پذیرش این روحیه دارند، فراهم آورد:

بازخوانی مکرر شعارها و آرمانهای انقلاب از طریق تولید و عرضه محصولات فرهنگی و رسانه‌ای، تقویت بن‌مایه‌های فرهنگ دینی، تقویت گرایش‌های معنویت‌جویانه بویژه از طریق ترغیب به مشارکت در برنامه‌های مذهبی (همچون مناسک عبادی، هیئات، مجالس شب‌های قدر، مراسم اعتکاف، زیارت‌مشاهد، راه‌پیمایی اربعین و...)، بازخوانی تجربه‌های تاریخی به بهانه‌های مختلف و روایت مکرر آن دوران، ترغیب به مطالعه خاطرات رزمندگان و آزادگان، اصلاح بدنه مدیریتی کشور بویژه از طریق اهتمام به گماردن نیروهای جوان و پرشور، توجه به الگوی مدیریت جهادی، افق‌گشایی و تقویت امید به آینده، ارتباط صمیمانه میان نسل‌های قبل با نسل جوان و ترمیم شکاف‌های بین‌نسلی، تقویت برنامه‌های جانبی مدارس و دانشگاه‌ها با هدف تامین این مهم، تمهید برنامه‌های ورزشی و تفریحی مناسب برای پرکردن اوقات فراغت مردم، ایجاد زمینه و تقویت ارتباطات مدنی در حوزه عمومی و...

۹- برخی با «سیاه مشق‌های» خود تردید افکنی در میان آحاد مردم را دنبال می‌کنند، جناب‌عالی علت این‌گونه رفتارها را چه می‌دانید؟

برخی از این شبهه افکنی‌ها ریشه در خصومت برخی گروه‌ها و جریان‌ها با اصل انقلاب اسلامی و اهداف و آرمانهای آن دارد. طبیعی است که ابراز این خصومت‌ها به تبع تغییر زمان و موقعیت‌های انقلاب، اشکال مختلفی به خود می‌گیرد؛ برخی نیز ریشه در تبلیغات گسترده و بی‌پایان جریان‌ها ضد انقلابی و رسانه‌های معاند دارد؛ برخی و شاید عمده خصومت‌ها به عملکرد نظام اسلامی و سیاست‌های اجرایی آن در سالهای پس از انقلاب دارد؛ برخی نیز احتمالاً به موفقیت‌های موضعی نظام در دستیابی به برخی اهداف و ثمردهی برخی پروژه‌های پیشین بر می‌گردد. در هر حال، یاس مخالفان و معاندان از نتیجه بخشی پروژه‌های اجرایی خود در جهت فرسایش تدریجی نظام و افول جایگاه آن در افکار عمومی و جامعه جهانی، نیز می‌تواند از علل این تهاجمات و شبه افکنی‌ها به شمار آید. در هر حال، تلاش برای برجسته‌سازی ضعف‌ها و کمبودهای داخلی و نیز تمرکز بر وعده‌ها و شعارهای تحقق نیافته انقلاب و نظام و متقابلاً چشم‌فروستن بر همه دستاوردهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، ارتباطی، علمی، نظامی و تکنولوژیکی که نظام اسلامی برغم همه مشکلات، محدودیت‌ها و فشارها بدان دست یافته است؛ سیاست دیرآشنایی است که در همه سالهای بعد از انقلاب، همواره و به گونه‌های مختلف توسط مخالفان تعقیب شده است.

در عین حال، نباید از نظر بدور داشت که وجود برخی کاستی‌ها در مدیریت‌های ستادی و صفی کشور، ناتوانی نظام در تحقق برخی وعده‌ها و تامین برخی انتظارات، تضعیف تدریجی توان نظام در تدبیر بهینه امور متناسب با یک نظام اسلامی و ولایی، بی‌ثباتی و آشفتگی اوضاع اقتصادی، ظهور برخی وضعیت‌های غیر منتظره، عقب ماندگی و اختلال در برخی ارکان تحت تاثیر سیاست‌های اجرایی دشمن مثل تحریم‌های اقتصادی، تهاجم فرهنگی، تبلیغات گسترده رسانه‌ای و نفوذ در برخی ساختارها؛ خستگی و سرخوردگی برخی مردم در اثر طولانی شدن فشارها، به صحنه آمدن برخی اصناف و اصرار بر تامین مطالبات حقوقی معوقه خود، افشای بیپای پرونده‌های فساد مالی که درجاتی از بی‌اعتمادی به مسئولان را موجب شده، بعضاً اظهار نظرهای خام و ناسنجیده برخی مسئولان اجرایی و لیدرهای فکری وابسته به جناح‌های مختلف که به تشویش اذهان و خالی کردن دل مردم منجر شده است، اقدامات هواخواهانه برخی چهره‌های موسوم به سلبریت، موضع‌گیریهای منتقدانه برخی چهره‌های روحانی به مناسبت‌های مختلف، نومی‌دی از رفع عاجل مشکلات موجود و... زمینه را برای تاثیر پذیری منفی توده‌ها و بلکه خواص از اوضاع کنونی را فراهم ساخته است. مشارکت قاطبه مردم در راه پیمایی ۲۲ بهمن امسال و شگفتی‌های

دیگری که ملت ما همواره آفریده را باید به حساب علاقمندی مردم به اصل انقلاب، پاسداشت خون شهدا، هوشمندی مردم ایران در برخورد با دشمنان خود، نجابت و بزرگواری این ملت و اجابت دعوت رهبری و برخی از مراجع تقلید گذاشت نه لزوما خرسندی از اوضاع بویژه اوضاع اقتصادی و رضامندی از عملکرد مسئولان اجرایی کشور.

۱۰- بیانیه گام دوم انقلاب در واقع به نوعی ریل‌گذاری در «مسیر تمدن نوین اسلامی» است برای تحقق آن چه باید کرد؟

ساخت یا پی ریزی یک «تمدن» (اگر کاربرد واژه ساخت، مهندسی و غیر آن در مورد تمدن قبول باشد) به مثابه عینیت بخشی حداکثری به ظرفیت ها و درون مایه های یک فرهنگ، مستلزم مهندسی و تدبیر یک رشته اقدامات زمینه ای به هم پیوسته و مرحله ای است که رفته رفته می تواند زمینه تکون تدریجی یک هویت انضمامی و موجودیت فرهنگی اجتماعی که از آن با نام تمدن یاد می شود، فراهم سازد. به بیان دیگر، تمدن (قطع نظر از ابهامی که در تعریف آن وجود دارد)، پدیده ای برساختی و حاصل مصدري است که از رهگذر اجرای تدریجی و به هم پیوسته مجموعه ای از سیاست ها، برنامه ها و اقدامات عملی، در آینده ای نه چندان معلوم در قالب موجودیتی چندلایه و پویا، جلوه گر خواهد شد. به بیان سوم، آنچه در این خصوص مهم است تدبیر مکانیسم های لازم برای نیل به یک تمدن (تا آنجا که برای نسل های مختلف یک جامعه مقدور است) و هدایت و بسیج همه امکانات و ظرفیت ها در این مسیر و پویش و صیوررت بی وقفه در در قالب مجموعه ای از فرایندهای به هم پیوسته و در هم آمیخته است. برخی از اقدامات پیشنهادی زمینه ای عبارتند از:

ایجاد و تقویت باورها، ارزش ها، نگرش ها، خلیات، هنجارها، نمادها و در یک کلام، فرهنگ تمدن ساز (برای ما قاعدتا این فرهنگ، فرهنگ اسلامی با قرائت های تمدن ساز خواهد بود)، برآورد واقع بینانه امکانات و فرصت ها و متقابلا موانع و تهدیدها (در مقیاس های خرد و کلان)؛ تمهید برنامه های اجرایی کوتاه مدت، میان مدت و طولانی مدت؛ تقویت اطلاعات و مطالعات آینده پژوهی در خصوص وضعیت های محتمل کشور و جهان در آینده های پیاپی، بهره گیری از تجربه های موفق سایر جوامع، تقویت عزم ملی در مسیر کمال جویی و تکاپو گری بی وقفه و جمعی، بهره گیری بهینه از همه ظرفیت های نرم و سخت، ایجاد وفاق حداکثری در میان اقشار مختلف، اعطای بعد هویتی به این پروژه، بهره گیری از ظرفیت های متنوع نخبه گانی، عملیاتی کردن گام به گام سیاست ها و برنامه های تمهید شده، اعمال نظارت های چندگانه بر روندهای اجرایی، آسیب شناسی مستمر روندها و شناسایی دقیق قوت ها و ضعف ها، تلاش در

جهت رفع موانع و اختلالات مسیر، مبارزه هوشمندانه با شوک های موضعی، انعطاف لازم در تغییر مدارهای حرکت (در صورت لزوم) و...

۱۱- اقتدار انقلاب اسلامی در ۴۴ سالگی، از یک سو موجب تغییر چالش ها و احیای روحیه مقاومت در منطقه گردیده و از سوی دیگر شکست و سردرگمی نقشه های دشمن را در پی داشته است. به نظر شما برای حفظ و تقویت این اقتدار چه باید کرد؟

البته برخی برخلاف دیدگاه شما معتقدند که برخی از کشورهای قدرتمند منطقه مثل ترکیه و عربستان و برخی دیگر به تبع آنها در همسویی با رژیم صهیونیستی تغییر مسیر داده اند، بیداری اسلامی یا عربی در بیشتر کشورها فروخته، جنبش بحرین، مصر و لیبی سرکوب شده، یمن درگیر یک جنگ فرسایشی شده است و افغانستان نیز به اسارت طالبان در آمده است.

بزعم من، اجرای سیاست هایی از این دست می تواند در تحقق هدف فوق موثر باشد:

ثبات در استراتژیهای سیاست خارجی و رعایت اصل خدشه ناپذیر عزت، حکمت و مصلحت، تقویت روابط دیپلماتیک با کشورهای مسلمان منطقه، تلاش برای همگرایی بیشتر با کشورهای اسلامی در چارچوب اتحادیه های منطقه ای و فرامنطقه ای، مقابله هوشمندانه با سیاست های خائنانه برخی دول عربی در همسویی با دولت صهیونیستی، مبارزه قاطع با توطئه های رنگارنگ ایران هراسی و شیعه هراسی در منطقه، جلب اعتماد دولت ها و سرمایه داران مسلمان برای سرمایه گذاری در پروژه های داخلی، افزایش سهم ایران در سبد تعاملات اقتصادی کشورهای منطقه، ایجاد و تقویت همکاریها و ارتباطات رسانه ای، ایجاد زمینه برای بسط ارتباطات و تبادلات علمی میان دانشگاهها و حوزه های علمیه کشور با مراکز مشابه در این کشورها، تاسیس برخی رشته ها در مراکز علمی همچون جامعه شناسی، مردم شناسی، اقتصاد، حقوق، سیاست، ارتباطات، خانواده و... با پسوند کشورهای اسلامی برای آشنایی هرچه بیشتر این جوامع از وضعیت های یکدیگر، ایجاد زمینه برای تبادل اقلام و محصولات فرهنگی در بازارهای مشترک، بسط و تعمیق ارتباطات میان فرهنگی (جذب و انتقال توریست) با این کشورها، تقویت هویت اسلامی- ایرانی و تعلقات ملی ایرانیان مقیم این کشورها و تسهیل زمینه های مشارکت آنها در توسعه ایران، استفاده از ظرفیت های کنگره حج و راه پیمایی اربعین برای بسط و تعمیق این ارتباطات، استمرار سیاست های حمایتی از توده های مظلوم و ستمدیده، استمرار اعمال فشار برای تخلیه منطقه از حضور نظامی بیگانه، تقویت

ارتباطات گسترده و چندجانبه با اهل سنت داخلی و مشارکت بیشتر در توسعه و آبادانی مناطق استقرار آنها، مبارزه قاطع با عواملی که در داخل و خارج بر طبل اختلاف و فاصله‌گزینی از اهل سنت می‌کوبند
و...